



دکتر احسان اشراقی (۱۳۰۷-۱۳۹۸)
استاد تاریخ دانشگاه تهران
تاریخ‌نگار، پژوهشگر، مترجم، صفوی‌شناس و قزوین‌پژوه

یادبود دکتر احسان اشراقی

(۱۳۰۷-۱۳۹۸)

منصور صفت گل

استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران

گرچه دوره نوین گسترش روش‌ها و بینش‌های تاریخ‌نگاری در ایران، بیشتر از روزگار ناصری به بعد (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) قابل جست‌وجوی پژوهشی است، با این‌همه نمی‌توان از تأثیر چشمگیر دگرگونی‌های روزگار مشروطیت به بعد سخن نگفت. به نظر می‌آید این دگرگونی‌ها به برآمدن نخستین نسل از تاریخ‌نگارانی انجامید که از دیدگاه و روش‌های تازه‌تر و متفاوت‌تری در سنجش با نسل پیش از خود پیروی می‌کردند. این دگرگونی‌ها با تغییراتی چشمگیر در ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران نیز همراه بود و یا به بیان درست‌تر، دگرگونی‌های روشی و سبکی تاریخ‌نگاری، دست‌آورد و درعین‌حال مؤثر بر آن تغییرات بود.

در ساختار جدید، جایگاه و پیشه مورخ دگرگون شد. سنت مجلس‌نویسی و رویدادنگاری منشیانه مرتبط با قدرت که به‌طور معمول مایه رواج و رونق تاریخ‌نویسی سلسله‌ای و غیرسلسله‌ای در ایران بود، رفته‌رفته کمرنگ و کم‌رنگ‌تر شد و جای خود را به نظام ثبت رویدادها در گزارش‌های اداری نو و از همه مهم‌تر به رسانه‌های نوین داد؛ بنابراین نقش رسانه‌ای سنتی رویدادنگاری که بخشی از کارکرد تاریخ‌نگاری کهن ایرانی بود، به تعریفی نو نیاز پیدا کرد. از سوی دیگر با گسترش ابزارهای نوین، زمینه برای گسترش آگاهی تاریخی به روش‌هایی مؤثرتر، کارآمدتر و آسان‌تر فراهم شد. چنین به نظر می‌آید که در ساختار جدید، در آغاز نوعی ابهام درباره جایگاه مورخ پیدا شده باشد؛ اما این ابهام در اندک زمانی جای خود را به ضرورتی تازه برای گسترش دانش تاریخ داد و زمینه را برای ظهور نسل تازه‌ای از مورخان و سبک نویی از تاریخ‌نویسی آماده ساخت؛ زمینه‌ای که برخلاف ادوار پیشین، تاریخ‌نگاری ایرانی را به مقام یک رشته علمی نهادی و پیشه مورخ را به‌مثابه بخش جدایی‌ناپذیر تکاپوی علمی ایران معاصر ارتقاء داد.

برای فهم بهتر اهمیت دیدگاه‌های علمی استاد دکتر احسان اشراقی ضرورت دارد به وضع تاریخ و تاریخ‌نگاری در دوره معاصر ایران توجه شود. در یک دسته‌بندی بزرگ، تاریخ‌نگاری ایرانی را می‌توان در دو بخش از آغاز دوره اسلامی تا مشروطیت و از دوره

مشروطه به بعد بررسی کرد. در هریک از این دوره‌ها فعالیت مورخان ایرانی ویژگی‌هایی داشته که در عین تداوم سنت، تغییراتی نیز یافته است. این تغییرات در آستانه مشروطیت و پس از آن، همه‌جانبه‌تر و پرشتاب‌تر بوده است. تغییراتی که در دوره دوم ایجاد شد، دستاورد مهم دوره تجدد جامعه ایرانی بود و لذا به‌نظر می‌آید بررسی کوشش‌های مورخان و آثار و پژوهش‌های دکتر اشراقی برای درک تأثیر تغییرات ناشی از تجدد ضروری است؛ به سخن دیگر، آن دسته از تغییراتی که تاریخ را از دانشی مبتنی بر قواعد و اسلوب قدیم پیش از تجدد، به آستانه یک رشته تخصصی و مبتنی بر معیارهای علوم نوین تبدیل کرد.

تاریخ‌نویسی مرسوم ایرانی مبتنی بر روابط استاد و شاگردی صنفی قدیم و با الگوبرداری از متون تاریخی مورخان برجسته پیش می‌رفت. این مورخان خاستگاه‌ها و حتی پیشه‌های گوناگونی داشتند و در فرهنگ و ادب سیاسی و تاریخ‌نگاری مرتبط با آن مؤثر بودند. در دوره جدید تاریخ‌نویسی ایرانی که بیشتر از دوره مشروطه و به‌ویژه پس از بنای مراکز نوین آموزشی و علمی آغاز می‌شود، تاریخ‌نویسی رفته‌رفته بر گونه یک شاخه علمی معین با موضوعاتی کاملاً تخصصی پدیدار می‌شود؛ یعنی زمینه برای فعالیت نسلی از مورخان فراهم می‌شود که به‌صورت حرفه‌ای آموزش می‌دیدند و از اصول و قواعد و قوانین معینی در تاریخ‌نگاری پیروی می‌کردند. فعالیت‌ها و آثار دکتر اشراقی در حقیقت می‌تواند در دوره انتقال و گذار از وضع تاریخ‌نویسی پیشاجدید به دوره جدید مرتبط شود؛ یعنی نسل اول استادانی که در دوره جدید فعالیت علمی تاریخ‌نویسی را آغاز کردند. افرادی مانند وحیدالملک شیبانی و غلامرضا رشید یاسمی و عباس اقبال آشتیانی و از همه مؤثرتر، مرحوم نصرالله فلسفی، نسلی بودند که در حقیقت در تاریخ‌نویسی ایران بنایی را نهادند و زمینه‌ای را فراهم کردند و تجربه‌ای را منتقل نمودند که موجب شد نسل دومی که شاگردان این استادان بودند، تاریخ را به‌صورت رشته تخصصی علمی و مبتنی بر اصول و قواعدی که بدان اشاره شد، در نظر گرفتند.

در مجموعه این فعالیت‌ها و باتوجه به آثاری که استاد زنده‌یاد دکتر احسان اشراقی منتشر کردند، رویکردهای تخصصی تاریخ‌نگاری وی را می‌توان از چند منظر موردتوجه قرارداد. به‌نظر می‌آید ایشان به سنت پژوهشی علامه قزوینی و استاد عباس اقبال آشتیانی در حوزه تصحیح متون عمیقاً وفادار بودند. همین باعث شد که تعدادی از مهم‌ترین متون تاریخی دوره صفویه با اشراف و نظارت و تصحیح و توضیحات ایشان منتشر و

راهگشای نسل بعدی محققان صفویه‌شناس شود؛ اما دامنه فعالیت‌های دکتر اشراقی به تصحیح متن محدود نشده است. در واقع ایشان به دلیل تجربه طولانی و تحصیل و زمینه تحقیقاتی منظمی که داشتند، علاقه به تاریخ را با رویکرد ادبی به تاریخ همراه می‌کردند و به جغرافیا و حوزه علوم اجتماعی و اقتصادی و مخصوصاً روان‌شناسی در مطالعه تاریخ توجه داشتند. برای شاگردان ایشان در حوزه‌های متفاوت، این رویکرد همیشه جذاب بود و دیدگاه ویژه‌ای در دانشجویان ایجاد می‌کرد که به تاریخ ایران تنها از منظر سیاسی و سلسله‌ای توجه نکنند، بلکه هم‌زمان به ایران به‌مثابه سرزمین و کشور و فرهنگ و تمدن بنگرند. این رویکردهای چندگانه‌ای که در کلاس‌ها و برنامه تدریس استاد ارائه می‌شد و سپس در آثار تحقیقی ایشان در قالب مقالات گوناگون و مقدمه متون تصحیح‌شده بازتاب می‌یافت، افق‌های جدیدی در زمینه تاریخ، به‌ویژه تاریخ صفوی گشوده است.

اما جنبه دیگری هم در کارهای استاد قابل اشاره است و آن علاقه جدی و قلبی و علمی ایشان به مباحث مربوط به تاریخ و فرهنگ قزوین است؛ بنابراین، قزوین‌شناسی نیز بخشی مهم از دلبستگی‌های مورخانه ایشان بود. حتی در متونی که ایشان تصحیح کرده است، می‌توان این علاقه به قزوین را تشخیص داد؛ برای مثال، خلاصه *التواریخ* قاضی احمد قمی که متن بسیار مهمی درباره تاریخ قرن دهم ایران روزگار صفوی است، در واقع بهترین نمونه تاریخ‌نگاری مکتب قزوین به‌شمار می‌رود و بخش زیادی از آنچه در این کتاب بیان می‌شود، عملاً به تحولات دوره پایتختی قزوین در دوره پیش از شاه عباس اول صفوی و آغاز فرمانروایی او اشاره دارد.^۱ تصحیح این متن مهم صفوی، راهگشای تحقیقات بعدی در این موضوع بود و از خلال اشارات مصحح در مقدمه جلد یکم، زوایای تاریخ‌نگاری قاضی احمد به‌عنوان وقایع‌نگاری با خاستگاه منشیانه و ادیب و هنرشناسی با ذوق، بررسی و روشن می‌شود. همین مطلب درباره چاپ یکی دیگر از متون مهم این دوره به نام *تقاوة الآثار*، نوشته افوشته‌ای نطنزی نیز صادق است.^۲ کویین وقایع‌نگاری‌های دوره قزوین از عهد طهماسب یکم تا شاه عباس را بررسی کرده و به ابعادی از روش تصحیح دو کتاب یادشده و دیگر متون مربوط به این موضوع توجه نشان داده است.^۳ تازه‌ترین پژوهش استاد زنده‌یاد، تصحیح جلد دوم از مجموعه سه جلدی *افضل التواریخ* نوشته خوزانی اصفهانی، از مورخان روزگار شاه عباس یکم است.^۴ نگارنده می‌داند که استاد برنامه‌ای برای انتشار تصحیحی انتقادی از مهم‌ترین متن دوره خانقاهی

تاریخ صفویان، یعنی صفوة الصفاء، نوشته ابن بزاز اردبیلی داشتند و چنین نهاده بودند تا این کتاب از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر شود.

افزون بر توجه به قزوین و تاریخ ایران با انتشار متون تاریخی عهد صفویه، دکتر اشراقی در بخش شعر و ادبیات، باتوجه به اشعار عبدی بیگ شیرازی، درباره بخش‌های گم‌شده تاریخ قزوین نیز پژوهش کرده‌اند.^۵ عبدی بیگ شیرازی، مورخ پرکار و شاعری خوش‌قریحه و یکی از سرشناس‌ترین تاریخ‌نویسان دوره مکتب قزوین است. او جز تکملة الاخبار که تاریخی جهانی است، مجموعه اسناد وقفی آستانه شیخ صفی‌الدین را نیز با نام صریح الملک تدوین کرده بود. افزون بر آن، منظومات او اهمیتی اساسی دارند و در یکی از آنها به نام جنات عدن، توصیفاتی دلکش و گویا درباره باغ‌ها و کاخ‌ها و عمارات اعیانی قزوین عهد صفوی آورده است. استاد زنده‌یاد، دکتر اشراقی، این متن را بررسی، تصحیح و منتشر کرده‌اند؛^۶ بنابراین، همه آنچه در این سه عرصه موردعلاقه استاد بوده است، با همان رویکرد تاریخ، جغرافیا، ادبیات، اجتماع و اقتصاد و حتی تحلیل روان‌شناختی، تحولات جامعه ایرانی را می‌توان در آثار ایشان دید؛ یعنی از دید ایشان پیوندی ناگسستنی میان تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی دیده می‌شود و برهمین اساس، نوعی پژوهش بین‌رشته‌ای با تمرکز بر تاریخ اهمیت می‌یابد.

در حقیقت پژوهش‌های دکتر اشراقی در زمینه تاریخ قزوین و صفویه، حلقه‌ای از حلقه‌های بزرگ‌تر دلبستگی ایشان به تاریخ ایران، به‌عنوان تمدنی دیرپاست و علاقه‌وی به فرهنگ و تمدن ایران، زمینه‌ساز ایجاد علاقه در دانشجویان و دلبستگان به تاریخ و تمدن ایران شده است.

حضور مؤثر استاد در برنامه‌های ملی و بین‌المللی صفویه‌شناسی و ایران‌شناسی، از دیگر وجوه کارنامه علمی و پژوهشی ایشان به‌شمار می‌رود. کارنامه پژوهشی استاد زنده یاد دکتر احسان اشراقی به همراه تجربه مدیریت آموزشی و از همه چشمگیرتر، حضور پیگیر ایشان در تدوین برنامه‌های آموزشی رشته تاریخ از سال‌های دور و نقش مهم ایشان در فرهنگستان علوم، به‌عنوان تاریخ‌دانی سرشناس، نشان از جایگاه رفیع استاد در سپهر علمی ایران معاصر دارد.

اینک دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات و علوم انسانی و گروه تاریخ، جامعه مورخان و دانشمندان ایران و البته جهان ایران‌شناسی، در سوگ آن گرامی، اندوهگین هستند و برای استاد روانشاد که از مینودر به مینودری گذشته‌اند، رحمت واسعه الهی آرزو دارند.

گزیده ای از کارنامه علمی و پژوهشی دکتر احسان اشراقی

مشخصات فردی و تحصیلات

- نام پدر: عبدالغفار، تولد: ۱۳۰۷، شهرستان قزوین.
- تحصیلات ابتدایی و متوسطه در قزوین.
- لیسانس تاریخ و جغرافیا از دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی دانشگاه تهران، ۱۳۲۸.
- فوق لیسانس علوم اجتماعی از مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- دکتری تاریخ از دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

وظایف و مسئولیت‌ها

- دبیر دبیرستان‌های شهرستان‌ها و تهران، ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۹.
- استادیار تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۷-۱۳۵۹.
- مدیر گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۶۳-۱۳۷۶ و یک دوره نیز پیش از ۱۳۵۷.
- دریافت تقدیرنامه از رئیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۶ به مناسبت سال‌ها مدیریت گروه آموزشی تاریخ.

عضویت‌ها

- عضویت در کمیته برنامه‌ریزی تاریخ وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۵۷ به بعد.
- عضویت در هیئت تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- مدیر و عضو هیئت تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶.
- عضویت شورای علمی مجله تحقیقات تاریخی پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵.
- عضو شورای علمی انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵.
- عضو شورای پژوهشی و حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، ۱۳۷۵-۱۳۷۶.
- عضو مؤسسه ایران‌شناسی اروپایی، از ۱۹۸۷ م.
- عضو میزگرد مطالعات صفویه‌شناسی، از ۱۹۹۳ م.

- عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و مسئول شاخه تاریخ فرهنگستان.

شرکت در مجامع علمی

- کنگره ایران‌شناسی، پاریس، ۱۹۷۵، ایراد سخنرانی در زمینه تاریخ صفویه.
- کنگره باستان‌شناسی و تاریخ آلمان، مونیخ، ۱۹۷۶، ایراد سخنرانی.
- اولین میزگرد مطالعات صفوی، پاریس، ۱۹۸۹، ایراد سخنرانی در زمینه تاریخ صفویه.
- دومین کنفرانس ایران‌شناسان اروپا، آلمان، بامبرگ، سپتامبر ۱۹۹۳، ایراد سخنرانی.
- دومین میزگرد مطالعات صفوی، کمبریج، ۱۹۹۴، ایراد سخنرانی.
- سومین کنفرانس ایران‌شناسان اروپا، کمبریج، سپتامبر ۱۹۹۵.
- شرکت در سمینارهای دوره تیموری، تاشکند و مشهد، فروردین و مهر ۱۳۷۳ (۱۹۹۶)، ایراد سخنرانی.
- مأموریت برای ایراد سخنرانی در تفلیس درباره گرجستان در متن تاریخ قفقاز، ۱۳۷۵.
- شرکت در کنگره تحقیقات ایرانی از سال ۱۳۴۹ به بعد.
- سخنرانی‌های متعدد تاریخی در دانشگاه‌ها و مجامع داخل کشور در ۲۵ سال اخیر.
- دعوت دانشگاه ادینبور برای سخنرانی در سومین میزگرد صفوی، مرداد ۱۳۷۷.
- دعوت دانشگاه توکیو برای سخنرانی درباره متون تاریخی ایران، نیم‌سال اول ۱۳۷۸-۱۳۷۷.

آثار علمی

- تصحیح متن نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه، تألیف افوشته‌ای نطنزی، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۰ و تجدید چاپ در ۱۳۷۳.
- تصحیح متن خلاصة التواریخ قاضی احمد قمی، جلد اول ۱۳۵۹، چاپ دانشگاه تهران؛ (تاریخ صفویه) و جلد دوم این کتاب در ۱۳۶۳ چاپ شد. این دو جلد به‌عنوان یکی از کتاب‌های برگزیده هفتادسالگی دانشگاه تهران تجدید چاپ شد.
- ترجمه سفرنامه کنت دوسرسی، سفیر فوق العاده فرانسه در ایران در زمان محمدشاه قاجار، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- تصحیح متن تاریخ سلطانی، تألیف سیدحسن استرآبادی (از شیخ صفی تا شاه صفی)، انتشارات علمی، ۱۳۶۶.

- تصحیح متن *افضل التواریخ*، تألیف فضل‌بیگ خوزانی اصفهانی، دفتر دوم، مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۸.
- ترجمه کتاب *نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی*، تألیف پروفیسور فاروق سومر، با همکاری محمدتقی امامی، ۱۳۷۱.
- ویراستاری و نظارت بر ترجمه و چاپ کتاب *Iranian L'art et la Societe dans le mond* (هنر و جامعه در جهان ایرانی)، انتشارات انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران، ۱۳۷۷.
- تصحیح انتقادی نسخه معتبر *صفوة الصفای ابن بزّاز*، در احوال شیخ صفی‌الدین اردبیلی، زیر چاپ.
- تصحیح متن *جنات عدن*، تألیف عبدی‌بیگ شیرازی (نویدی)، با همکاری مهرزاد پرهیزکاری، انتشارات سخن. تهران ۱۳۹۵.

مقالات و...

- دکتر اشراقی مقالات متعددی در زمینه تاریخ منتشر کرده‌اند که در اینجا تنها به برخی از آنها اشاره می‌شود:
- «بافت معماری قزوین در دوران صفوی»، کتاب *شهرهای ایران (مجموعه مقالات)*، به کوشش دکتر یوسف کیانی.
 - مقاله‌ای درباره نسخه پنجم خلاصه *التواریخ قاضی احمد قمی*، مجله *Studia Iranica*، پاریس، ۱۹۷۰.
 - «قزوین دومین پایتخت صفویان: Qazvin deuxtial Capital des Safawides Safavid» *Persia 1995 Cambridge*.
 - «معرفی چند سند تاریخی»، *بررسی‌های تاریخی*، ۱۳۵۲.
 - «عرض سپاه شاه طهماسب اول»، *بررسی‌های تاریخی*، ۱۳۵۰.
 - «گیلان در حکومت صفوی»، *مجله تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۲، ۱۳۵۶.
 - «سلطان حسین صفوی در *تحفة العالم* میرفندرسکی»، *مجله تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۲.
 - «چشم‌اندازی به قلعه‌های قهقهه و استخر در روزگار صفوی»، *هنر و مردم*، ۱۳۵۵.

- «شاهنامه از دیدگاه وحدت ملی»، هنر و مردم، ۱۳۵۵.
- «جغرافیای تاریخی خوارزم»، مجموعه مقالات به مناسبت بزرگداشت خوارزمی.
- «معرفی یک سند تاریخی (طومار بیع‌نامه) از دوران صفوی»، مجله گنجینه اسناد، سازمان اسناد ملی، ۱۳۷۷.
- «تجارت ابریشم در دوران صفوی»، ایران‌شناخت، ش ۵، ۱۳۷۶.
- چهار مقاله به زبان فرانسه و انگلیسی در استودیا ایرانیکا، پاریس، ۱۹۸۰ (به زبان فرانسه)، «نقطویان در عصر صفویه» در مجموعه مطالعات ایرانی در عهد صفویه، ادینبور، ۲۰۰۳. «ایران در عصر صفویه، افشاریه و قاجار و روابط با آسیای مرکزی»، چاپ یونسکو، جلد پنجم. مقاله به افتخار پروفیسور ژان کالمار با عنوان «دولتخانه قزوین و عبدی‌بیگ شیرازی، شاعر دوران شاه تهماسب»، در کتاب مطالعات اروپایی و آسیایی، به کوشش ماریاشویه ماساشی هاندا و میکله برناردینی، ۲۰۰۶.
- مشارکت در تدوین اطلس تاریخی ایران در دانشگاه تهران به‌عنوان مشاور، ۱۳۴۹.
- مشارکت در تهیه و تدوین دومین اطلس تاریخی ایران به‌عنوان تهیه‌کننده نقشه تفصیلی دوران صفوی، ۱۳۷۶.
- ترجمه مدخل‌های «حضرت ابراهیم^(ع)»، «ابن اشعث»، «ابن جزری»، «ابن عروس اروپیل» و چندین مدخل دیگر از دایرةالمعارف اسلامی برای دانشنامه جهان اسلام و تألیف مدخل «بایندر خان».

پی‌نوشت

۱. قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسین الحسینی القمی، خلاصة التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، جلد ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ (جلد دوم ۱۳۶۳).
۲. هدایت‌الله نطنزی، نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه، تصحیح احسان اشراقی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۳. شعله ای. کوبین، تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی؛ اندیشه، گرده‌برداری و مشروعیت در متون تاریخی عهد صفویه، ترجمه منصور صفت‌گل، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، صص ۲۰-۲۸.
۴. خوزانی اصفهانی، افضل التواریخ، دفتر دوم، به کوشش احسان اشراقی و قدرت‌الله پیش‌نمازاده، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۸. مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب مجلدات سه‌گانه این کتاب را به‌زودی منتشر خواهد کرد.

۵. برای فهرستی از آثار دکتر اشراقی و از جمله تحقیقات درباره قزوین نگاه کنید به: *اشراقی‌نامه*، مجموعه مقالات تاریخی، اجتماعی، ادبی، جغرافیایی، زیر نظر سید محمد دبیرسیاقی، قزوین، حدیث امروز، ۱۳۸۱، صص ۱۶-۲۰. نیز درباره شرح حال ایشان نگاه کنید به: صفت‌گل، منصور، گروه آموزشی تاریخ دانشگاه تهران، *تاریخچه، مقاطع تحصیلی و گرایش‌های تخصصی*، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۵، صص ۴۹-۵۳. برای تازه ترین آگاهی ها در باره استاد روانشاد نگاه کنید به : امین اشراقی، *زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر احسان اشراقی عضو پیوسته فرهنگستان علوم استاد تاریخ دانشگاه تهران*، چاپ یکم انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۹۵.

۶. عبدی بیگ شیرازی، *جنات عدن*، به کوشش احسان اشراقی و مهرزاد پرهیزکاری، تهران، سخن ۱۳۹۵.